

روایت رهبر انقلاب از روزهای فتح خرمشهر

درس خرمشهر را نباید فراموش کرد

– همین آمریکا و غربیها و همین مدعیان دروغگو و منافق حقوق بشر – در خرمشهر مستقر شده بود. تانکهای او، وسایل پیشرفته او، هواپیماهای مدرن او، نیروهای تا ندانن مسلح او؛ بچه های ما آر.پی.جی هم نداشتند؛ با تفنگ می جنگیدند؛ اما با ایمان و با صلابت. همین جوانان، با دست خالی، اما با دل پُر از امید و ایمان به خدا، بدون این که ابزار پیشرفته ای داشته باشند و بدون این که دوره های جنگ را دیده باشند، وسط میدان رفتند و بر همه آن عوامل غلبه پیدا کردند. روز سوم خرداد، همان ساعت اولی که رزمندگان ما خرمشهر را گرفته بودند، مرحوم شهید صیاد شیرازی به من تلفن کرد – بنده آن وقت رئیس جمهور بودم – و گزارش اوضاع جبهه را می داد. می گفت الان هزاران سرباز و افسر عراقی صف

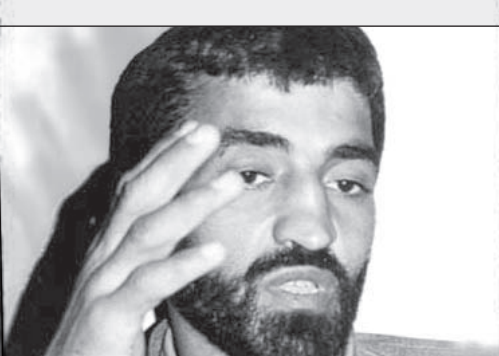
بسته اند، برای این که بیایند ما دستپایشان را بندیدیم و اسیر شوند! قدرت معنوی یک ملت این است. فقط خرمشهر نیست – خرمشهر یک نماد است – کربلای ۵ ما هم همین طور بود؛ والفجر ۸ ما هم همین طور بود؛ فتوحات فراوان دیگر ما هم همین طور بود؛ عملیات خیبر و بدر و مجموعه هشت سال دفاع مقدس ما هم همین طور بود. البته ناکامی و شکست هم داشتیم و شهید هم دادیم؛ میدان مبارزه است. به برکت ایمان شهدان ما و ایمان شما پدران و مادران و همسران – که شماها هم پشت سر شهدا قرار دارید؛ چون اگر پدر شهید، مادر شهید و همسر شهید با او همدل و هم ایمان نباشند، او نمی تواند برود بجنگد – توانستید در این مبارزه پیروز شوید. این همان درسی است که باید همواره جلوی چشم ما باشد و

ما باید عدالت و اخلاق را مستقر کنیم و جامعه خود را به معنای واقعی اسلامی کنیم. این احتیاج دارد به کار و تلاش و ایمان و عمل صالح و مجاهدت در راه خدا. آیا این مجاهدت اثر دارد؟ آیا به نتیجه می رسد؟ بله. دلیل، سوم خرداد. دلیل؛ فتح خرمشهر. دلیل؛ هشت سال دفاع مقدس. شهید محمد جهان آرا که پدر بزرگوارش این جا صحبت کرد، در کدام کلاس نظامی دوره دیده بود؟ شهدای عزیز ما کدامیک از ابزارهای پیشرفته نظامی را در اختیار داشتند؟ بنده در همان دوران غربت – وقتی خرمشهر در اشغال دشمنان بیگانه بود – نزدیک پل خرمشهر رفتم و به چشم خودم دیدم وضعیت چگونه است. فضا غم آلود و دلها سرشار از غصه بود و دشمن با اتکاء به نیروهای بیگانه که به او کمک می کردند

پیاد

برای حاج احمد متوسلیان ویژه بنویسید

قبل التحریر؛ رویاها، رویاهای صادقانه گاه از پیام سرشارند، گاه خطی، کلامی در رویا کتاب بیداری آدمی را آغاز می کند. گاه نسیمی در رویا، غفلت های روز انسان را جaro می زند، گاه به یک پیغام، آدم را با پیغامبر یک ماجرا می کند، چنان که چندی پیش برای این قلم اتفاق افتاد به این شرح؛ در رویایی زلال حضرت آقا را می بینم که می فرمایند چرا برای «حاج احمد متوسلیان» ویژه کار نمی کنید؟... خدای من! ما که در ویژه نگاری از حماسه دفاع مقدس، قلم هایمان تمام قد ایستاده است، ما که قلم هایمان سربازان نقطه رهایی هستند، ما که ... دچار غفلت شده ایم. خدا ما را ببخشاید و عمر آقا را که فراتر از بیداری، در رویا هم هدایتمان می کند به حق، به ظهور یار گره زند. ما از حاج احمد غفلت کردیم و باید خیلی پیش تر و خیلی بیشتر از این درباره قهرمان بلندآوازه خود می نوشتیم که به حق سند اعتبار و سچل ماندگار ایران است. اما ... ننوشتیم به غفلت و حالا هم رسیده ایم به خشکسالی کاغذ و مرکب و سهم ما شده است همین ۴ صفحه اما یک صفحه اش را پیشکش می کنیم به ساحت سردار جاوید اسلام حاج احمد متوسلیان که جاویدالاثراست و آثار جاویدش، جهان را به سوی روزهای روشن می برد و ... این اگر چه یک صفحه است، اما کتاب جان است، به امید روزی که بتوانیم با تهیه یک ویژه نامه مفصل، شرح مختصری از حماسه آن بزرگ بنویسیم. این اما لیبیک است به پیغامی که در رویایی صادقانه از حضرت ولی گرفته ایم ... لیبیک یا خامنه ای.



یادداشت

متوسلیان و حماسه فتح خرمشهر

■ غلامرضا بنی اسدی

عملیات بیت المقدس، حماسه پرشکوهی بود که اگر از هزار زاویه هم بازخوانی شود، هزار حرف برای گفتن دارد. این رزم ماندگار را «باید» در ساحت های مختلف مورد واکاوی قرار داد و در باره آن نوشت تا فر دها، نسل های بعد در عصرهای بعد بخوانند و درس بگیرند، بخوانند و افتخار کنند، بخوانند و در نبردهای بعدی احتمالی، به کار گیرند. بخوانند و راهای عرفانی آن را چراغ راه کنند. بخوانند و در شعاع انوار عاشورا قرار بگیرند. بخوانند و دریابند گاه، یک وجب خاک، حکم حیثیت و اعتقاد می گرد که به خون هم شده باید ذره به ذره آن را از دشمن پس گرفت. بخوانند و نسل برگزیده این قرن را بشناسند. بخوانند تا به فیهی تازه از تفسیر آیه ۵۴ سوره مائده برسند که می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود بر گردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مومنان قوتون [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند...» بخوانند و نگاهی نوبه مردان وزنان این حماسه داشته باشند. آر ی، حماسه فتح خرمشهر را باید در ساحت های گوناگون خواند، به ویژه در ساحت شناخت مردان مردی که هر یک به پرچمی در اهتزاز تبدیل شد، از جهان آرا که یادش در نگاه رزمندگان حماسه می آفرید، تا حسن باقری، حاج همت، خرازی، صیاد شیرازی و... تا حاج احمد متوسلیان که در جایگاه فرماندهی تیپ محمد رسول ا... (ص) مرکز ثقل عملیات بود و سخت ترین محور را با حماسه و درایت و ایستادگی خود، به محور پیروز تبدیل کرد. اوپی که خود سلاح به دست پیشاپیش یارانش «جهاد» را بر خاک به خون معطر شده، قدم به قدم می نوشت و خط پیروزی را تا آن سوی خرمشهر کشید. آری، باید این مردان را شناخت چه این کفران نعمت است که با داشتن الگوهایی چون حاج احمد متوسلیان، این قهرمان جاوید، نگاه نسل نو ما به آن سوی مرزها باشد. این ناسپاسی است که شناخت ما از متوسلیان و متوسلیان ها اندک باشد و همین اندک هم در غیار غفلت گم شود. کاش فردوسی دوباره سر از خاک سرد توس برمی داشت و شاهنامه ای می نوشت در شرح این شاهمردان؛ که هر یک قهرمانی ماندگار بودند. ولی فردوسی نیست، اما نسل فردوسی هستند که باید به زبان هنر از آن حماسه و این مردان بگویند و ما در همین مختصر، صفحه ای را به کلمات معطر کرده ایم که از حاج احمد متوسلیان یکی از قهرمانان فاتح خرمشهر می گوید. این نشاء... در فرصت های بعدی، این سعادت را داشته باشیم تا باز هم از شهادت بگویم در قامت مردان بزرگ دیگر. پس این صفحه را بخوانید در شرح حاج احمد و او را نسخه تکثیر شده بدایت از دیگر امیران و سرداران شهید که همه در فهم شهادت، در فهم عاشورا، در فهم تکلیف مثل هم بودند، مشق هایی که از سرمشق عاشورا تحریر شده بودند تا ایرانی آزاد و ایران آزاد بماند...

حاج احمد متوسلیان در آخرین سخنرانی خود می گوید: هر شهری را که توسط اسرائیلی ها محاصره شده است آزاد خواهیم کرد و اسرائیل را به سقوط می کشانیم. روزی اسرائیل چنان بترسد و در فکر باشد که مبادا از لوله سلاحمان، به جای گلوله، پاسدار بیرون بیاید.

در گذر یک ماه از تهاجم ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان، بیروت جنگ زده بر گردآورد خود شاهد محاصره اشغالگران بود. "الیاس سرکس" رئیس جمهور لبنان در پیامی به همه دولت ها و مجامع جهانی، در خواست نظامی، غذایی، دارویی و سایر اقلام حیاتی کرد و هیچ کس جز امام خمینی (ره) به این فریاد امدادخواهی لبیک نگفت. جمعی از بلندپایه رین مسئولان سیاسی- نظامی جمهوری اسلامی ایران برای بررسی اوضاع و شرایط مظلومان منطقه در حالی وارد کشور سوریه شدند که پایتخت آن به طور مستقیم زیر بارش گلوله های توپخانه صهیونیست ها قرار داشت و وضعیت فوق العاده، تمام شهر را در بر گرفته بود. اعضای این هیئت عبارت بودند از: دکتر "علی اکبر ولایتی" وزیر خارجه، سرهنگ "سلیمی" وزیر دفاع، "محسن رضایی" فرمانده سپاه پاسداران، "محسن رفیق دوست" مسئول تدارکات سپاه پاسداران، سرهنگ "علی صیادشیرازی" فرمانده نیروی زمینی ارتش و "احمد متوسلیان" فرمانده تیپ ۲۷ حضرت رسول(ص)؛ هیئتی که بر حسب دستور امام(ره) و ابلاغیه "شورای عالی دفاع" جمهوری اسلامی ایران به ریاست رئیس جمهور وقت آیت ا... خامنه ای به سوریه اعزام شده بود.

■ تأمل در آخرین سخنرانی حاج احمد

متوسلیان، فرمانده سپاه اسلام در سوریه

رزمندگان سپاه اسلام، صبح روز ۲۸ خردادماه سال ۱۳۶۱ در میدان صبحگاه یادگان زندانی سوریه منتظر نشسته بودند تا از فرمانده خود کسب تکلیف کنند. متوسلیان پشت میکروفون قرار گرفت و آخرین سخنرانی رسمی خود را برای قوای محمد رسول ا... (ص) ایراد کرد. کمتر از ۲۰ روز بعد در ۱۴ تیرماه حاج احمد متوسلیان و سه تن دیگر به نام های سید محسن موسوی، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان توسط فلاژهای لبنانی در حوالی بیروت ربوده شدند و هم اکنون ۳۲ سال است که از آن ها خبری نیست. در تقارن ایام حضور قوای محمد رسول ا... (ص) به فرماندهی متوسلیان در سوریه به دلیل تهدیدات رژیم صهیونیستی، حمله به جنوب لبنان و لبیک امام(ره) به امدادخواهی مسلمانان منطقه و تحولاتی که امروز توسط همان عناصر صهیونیستی و تکفیری در سوریه و میان مسلمانان منطقه جریان دارد، بازخوانی سخنرانی فرمانده جاوید الاثر سال های دفاع مقدس قابل تأمل است. فردا سالروز این سخنرانی تاریخی حاج احمد در میان رزمندگان اسلام است. متن این سخنرانی در ادامه می آید:

■ سکوت سران مرجع منطقه در مقابل تجاوز

اسرائیل

بسم الله الرحمن الرحیم
بعد از انجام عملیات فتح المبین در ایران، روند مسائل سیاسی جهان، تغییرات عمده ای پیدا کرد و کامل



گزارش

سخنرانی تاریخی فاتح خرمشهر در سوریه:

اسرائیل را به سقوط می کشانیم



کننده این تغییرات، عملیات پیروزمندانة الی بیت المقدس بود. در پی این دو عملیات بود که ابر قدرت آمریکا و امپریالیزم بین المللی به این نتیجه رسیدند که عراق نه تنها قادر نیست در مقابل انقلاب اسلامی ایران بایستد و آن را به زانو در بیاورد، بلکه موجودیت خود او نیز در منطقه به خطر افتاده و هر آن بیم آن می رود که با سقوط جریان مدامی در منطقه امپریالیزم و منافع آن متحمل ضربات سنگینی شوند. به همین دلایل، امپریالیزم به فکر افتاد که باید این جریان یعنی را به نحوی از نابودی نجات دهد. بنابراین تصمیم گرفتند تا هماهنگی خاصی در بین یادی خودشان در منطقه ایجاد نمایند. شما عزیزان، خودتان شاهد این هماهنگی هستید و سکوت سران مرجع منطقه در مقابل تجاوز اسرائیل، دلیل این مدعاست.

■ هر نقطه از جهان که گویند "لاله الا الله"

هست، همان جانیز مرز اسلامی ماست

ژنرال الکساندر هیگ – وزیر خارجه آمریکا – گفته است: ما باید سه مسئله جنگ ایران و عراق، بی ثباتی کشورهای خلیج فارس و بحر ان در جنوب لبنان را هر چه سریعتر حل کنیم! البته ما نیز بر این اعتقاد هستیم؛ ولی بر طریق آن خط مشی که اسلام به ما ارائه می دهد. آمریکا آرام نمی شنید و هرروز توطئه ای جدیدتر و خدعه آمیزتر از قبل را بر ملت های مسلمان تحمیل می نماید؛ غافل از آنکه تا در اقصی نقاط جهان گویند "لاله الا الله" هست، همان جانیز مرز اسلامی ماست. ما این هنر نمایی های فرسوده و نقاشی های از بین رفته در طول تاریخ بر روی صفحات لجن مالی شده ای را که به نام مرزهای جغرافیایی در بین ممالک اسلامی علم کرده اند، هر گز قبول نداریم. آقای هیگ – وزیر خارجه آمریکا – یک هفته قبل از حمله اسرائیل به جنوب لبنان در روز سی ام می گوید: ما تا هفته آینده، این سه مسئله را حل خواهیم کرد. اسحاق شامیر – وزیر خارجه اسرائیل – نیز برای آنکه اعتراضی به وزیر خارجه آمریکا کرده باشد، بر آشفته می گوید: شما آمریکایی ها، چرا طرح ها و برنامه های نظامی محرمانه ما را افشا می کنید؟! مجموعه این بیانات، نشان دهنده توطئه ای است که از قبل طرح ریزی شده است و ابر قدرت آمریکا و فرنزن نامشروع و خفش اسرائیل، هر دو از این تجاوز جنایتکارانه به لبنان، با خبر و همدست یکدیگر بوده اند. آن ها از این تجاوز، چنین تحلیلی نیز داشته اند که اولین نتیجه این حمله، ایجاد فشارهایی بر ایران است؛ به این معنا که پیام این فشارها به ایران، این خواهد بود که جنگ با عراق را حل و فصل نمایند تا ایران و عراق دوش به دوش همدیگر علیه اسرائیل بجنگند.

از سوی دیگر، اگر ایران فریب این توطئه خدعه آمیز را نخورد و ما به جنگ ادامه دادیم، انذاب مرجع و دست نشاندۀ آمریکا که کشورهای منطقه، ما را به عنوان کشوری ضداسلام محکوم کنند؛ با این تحلیل مکارانه که دشمن صهیونیستی به ممالک اسلامی لبنان و سوریه تجاوز کرده و عراق مایل است علیه اسرائیل بجنگد؛ ولی ایران نمی خواهد. طبیعتا همین مسئله، ما را وامی داشت که به آتش بسی ننگین تن بدیم. کما اینکه به احتمال ۸۰ درصد قصد داشتند در عراق کودتایی انجام بدهند، صدام را بر کنار نمایند و آتش بس یکجانبه ای را در جنگ اعلام کنند و طی مقطعی پانزده روزه از سرزمین های اشغالی ایران خارج شده، آنگاه بحث شناسایی آغازگر جنگ و شناختن مجرم را که از اهم خواسته های ایران بوده و هست به حکمیت دوار گان گرگ صفت محول کنند؛ یکی، شورای امنیت سازمان ملل متحد و آن دیگری، دیوان عالی عدالت بین المللی یا همان "دادگاه لاهه". ما هم خوب می دانیم که سگ زرد برادر شغال است و هر دو با هم یکی هستند.

به آن نگاه کنیم. مبارزه مجدانه توأم با ایمان، در همه مراحل با پیروزی همراه است. همیشه هم که جنگ نیست؛ این مبارزه در میدان های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی هم هست؛ این مبارزه در میدان درس و بحث و در میدان تولید هم هست. بنابراین همه جا مبارزه وجود دارد. یک وقت هم دشمن دیوانگی می کند؛ آنگاه مبارزه در میدان جنگ است. یک ملت وقتی به خود متکی شد، وقتی مؤمن شد، وقتی این ایمان را با عمل صالح و جهاد همراه کرد، در همه میدان ها پیروزی او قطعی است. درس خرمشهر برای ما این است؛ ملت ایران این درس را نباید فراموش کند.

بیانات در دیدار جمعی از اینار گران و خانواده های شهید۸۴/۳/۸۴

دلخوشته

برای متوسلیان

...و تو گفتی دستان خدا

بازاست

■ شاهد

بلند بالا / سرو سبز شد؛ خاک / خاک خسته

با تو بارور می شود / و به فهم خدا می رسد و نگاهت / به سرایش هر پلک بذری می شود / که زمین را شکوفا می کند به خط سرخ / یا سبز فرقی نمی کند / از اثر نگاه تو خاک تربت پاک می شود برای خدا و انگشت اشاره ات که همه سوی عالم را نشان می داد مرزهای استراتژیک را تا عمق استراتژیک

پیش می برد / تا جایی که حتی یک نفر به لا اله الا... / زبان می گشود پرچم انقلاب اسلامی / در اهتزاز بود آی احمد / مرد ستوده شده هستی یافته از «رسول یاتی من بعدی اسمه احمد» / تو ترجمه عملی بودی نامت بزرگ / که بزرگی ایمان را در دیار کفر – هم حتی – فریاد کردی / و توسل را تو کلر را / شرحی نوزدی تا احمد متوسلیان را سرباز خمینی را در دل ها بنشانی...

آی احمد / آی احمد / آی احمد ... و این صدای نامت های جبهه است که از غرغ با جنوب هنوز تو را آواز می دهد و خونین شهر / شهر خون شهر خدا / به تکرار نامت خرمشهر می شود و لبنان / این سرزمین که از عطر ابودر بهار مدام یافته است در نگاه تو

چهره امروزی آن فریادگر را به یاد می آورد که کعب الاحبار یهودی – آن جاعل حدیث – ضربت استخوان را از دستان او شپید و نوادگان و دست تو را

– به ضربتی ابودرآور – بر دهان خویش دیدند و صبح هزار حیات با پشتوانه دانات و جنایت – به دست فتنه فلاژنها –

تورا / و یاران را دست سپند / تا بگویند «بدا... مغوله» غافل از آن که دست خدا بسته نمی شود بلکه در قامت حزب ا... برمی خیزد و تاریخ نوشت – در جنگ ۲۳ روزه – و خواهد نوشت – به گاه فتح نهایی – «ملت ایدیهیم و لعنوا بما قالوا بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء» دست خداوند / برای احقاق حق مظلومان گشوده و گشاده است و صبح نزدیک است صبحی که تو – حاج احمد – در کنار شهیدان

پس از اذان آخرین حجت خدا از کنار کعبه جاری خواهید شد و جهان را از جور و ستم پاک خواهید کرد و... و این صبح نزدیک است خبر برید به صهیون که سپاه محمد در راه است...